

زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹: ۹۵-۱۱۴

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام

ابوالقاسم دادور*

چکیده: بینش مذهبی انسان ابتدایی نمی‌توانست جز در «اصل مادینه هستی» قدرت‌های برتر آسمانی و زمینی را تجسم عینی بخشیده و بدان اقتدا کند. هر یک از جوامع کهن بر گرد نماد یا نمادهایی از اصل مادینه‌ی هستی که منشاء و مبنای بزرگ مادر اولیه است حلقه می‌زدند و آن‌را می‌پرستیدند. اندیشه‌ی مذهبی انسان باستانی در تحولات بعدی سرانجام به مرحله‌ای انجامید که در آن مرحله پرستش خدایان متعدد با صورت‌ها و اندام‌های انسانی پذیرفته شد. تاریخ ایران شاهد درخشش جایگاه زن در برهه‌های مختلف بوده است. زنان در ادوار مختلف نگهدار آتش، مخترع و سازنده‌ی ظروف سفالین، یابندگان نباتات، آزمایش‌کننده‌ی کشت و زرع، اداره‌کننده‌ی قبیله و در عین حال سلسله‌زنان زنجیر اتصال خانواده بوده است. آن‌ها با ساختن سفال به علم شیمی، هنگام رشتن و نخ‌تایی به علم فیزیک و از راه نساجی به علم مکانیک آشنا شدند. پژوهش در خصوص مقام و جایگاه زن در تمدن عیلام از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا ایرانی‌ها بخش عمده‌ای از فرهنگ و تمدن خود را از عیلام گرفته‌اند. مضافاً به این‌که «اصل مادینه هستی» در مرکز اندیشه‌ی مذهبی عیلامیان قرار داشته و خدایان مادینه در جرگه خدایان اصلی بوده‌اند. در تفکر حقوقی عیلامی، زن جایگاه انسانی و به حق خود را داشته و هرگز به نام «فرو دست» در مقام خواهان یا خواننده دعوی ظاهر نشده است. علاوه بر آن، کلیه آراء حقوقی نیز به نام خدایانی ظاهر شده که در غالب موارد جنسیت زن داشته‌اند. در جامعه‌ی عیلام شهادت زنان مانند مردان مورد قبول بوده و نام زنان در همه گزارش‌های قضایی به عنوان شهود به چشم می‌خورد. زن در زمان عیلامی‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کند تا جایی که شیروکدوه یکی از پادشاهان سلسله اپارتی (اپرتی) مادر خود را به عنوان سوکال شوش منصوب می‌کند.

واژه‌های کلیدی: عیلام، زن، الهه مادر، ربه‌النوع.

مقدمه

ایلام سرزمینی بوده است واقع در جنوب ایران که از شمال به کوه‌های بختیاری و از طرف جنوب به خلیج فارس تا بوشهر، از شرق به قسمتی از فارس و از مغرب به دجله محدود می‌شده است (آمیه، ۱۳۴۹: ۵۹).

ghadadvar@yahoo.com

* دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا (س)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۰۲/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۷/۲

۹۶ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹

کشور عیلام شامل خوزستان و لرستان امروزی، پشتکوه و کوه‌های بختیاری بوده است. بدین معنی که از مغرب به دجله، از مشرق به قسمتی از فارس، از شمال به کوه‌های بختیاری و از جنوب به خلیج فارس تا بوشهر محدود می‌شده و در دوره‌ی اوج عظمت، از سمت مغرب به بابل و از مشرق تا اصفهان می‌رسیده است و چنان‌چه مشاهده می‌شود از دو قسمت کوهستانی و دشت تشکیل می‌شده است. قسمت اول که در شمال مملکت قرار داشته، به مناسبت وضع جغرافیایی، دست نخورده‌تر و به اصطلاح ابتدایی‌تر مانده، در حالی که قسمت دشت، که دائماً با ملل متمدن زمان در تماس بوده و در همسایگی آن‌ها قرار داشته‌است، مرکز یکی از مهم‌ترین تمدن‌های ایران کهن گردیده است. شهر شوش که در منطقه‌ی دوم واقع بوده و مرکز این تمدن مهم می‌باشد، به‌منزله‌ی پایتخت کشور بوده است و جغرافی‌دانان قدیم یونان و روم، مانند استرابون، ایالتی از عیلام را که شهر شوش در آن قرار داشته، به مناسبت اهمیت این شهر سوزیان یا سوزیاناء خوانده‌اند.

ایالات مهم دیگر عیلام به‌جز سوزیان عبارت است از: آوان، در شمال‌غربی شوش و کنار رودهای دز و کرخه سیماش قرار داشته که شامل قسمت شمال و شمال‌شرقی دشت خوزستان و دارای نواحی کوهستانی بوده است؛ آنزان یا آنشان که به منطقه‌ی شرقی و جنوب‌شرقی مال امیربختیاری اطلاق می‌شده و پارسوماش که شامل مسجد سلیمان امروزی بوده‌است. سرزمین عیلام یکی از چهار قسمت دنیای قدیم یعنی: آکاد در شمال، سوربارو در مشرق، آمورو در مغرب، و عیلام در جنوب، محسوب می‌شده است.

عیلامی‌ها از نژاد آسیایی یا زاگرو-عیلامی، یعنی نه هند و اروپایی و نه سامی، بوده‌اند که بعضی از دانشمندان نژادشناس آنان را جزء دسته‌ی اقوامی از نژاد و زبان قفقازی یا خزری، می‌دانند. زبان ایشان از دسته زبان‌های پیوندی بوده است (همان: ۲). عیلام از بدو شروع پیدایش خویش در اواخر هزاره چهارم یا اوایل هزاره سوم ق.م تا زمان سقوطش حدود ۶۴۰ قبل از میلاد بیشترین ارتباط را با حاکمان بین‌النهرین داشت. این تماس و ارتباط غالباً هم در جهت صلح و سازندگی و هم در جهت جنگ و ستیز بود^۱ به طوری که در اکثر مواقع سرزمین‌های هر دو کشور مورد تاخت‌وتاز سربازان یک‌دیگر قرار می‌گرفت و در این مورد تاریخ نشانگر این واقعیت است که بیشترین لطمه را دولت‌مندان بین‌النهرین بر کشور ایلام وارد آوردند. اما علی‌رغم یورش سربازان آشوری به کشور ایلام بارها و بارها توانست قد علم نموده و استقلال خود را مجدداً به‌دست آورد.

^۱ جهت اطلاع بیشتر در خصوص تأثیر و تأثر تمدن بین‌النهرین در مورد مسائل مذهبی مراجعه شود به: ابوالقاسم دادور، سمبول‌های خدایان بین‌النهرین از دوره‌ی اورسوم تا آشور نو و رابطه‌ی آن با سمبل‌های عیلام، رساله‌ی فوق لیسانس، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۰، جلد دوم.

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۹۷

این کش و قوس‌های نظامی و سیاسی الزاماً باعث نفوذ فرهنگ، زبان و مذهب مردم بین‌النهرین بر سرزمین عیلام می‌شد خود عیلام طبیعتاً مثل سایر اقوام جهان دارای فرهنگ مستقل بود (همان: ۵۹). گذشته از جنبه‌های فرهنگی و تمدنی، عیلام و به‌خصوص شهر شوش، یکی از مراکز عمده‌ی تجارتی و اقتصادی زمان محسوب می‌شده که این امر در گرفتن و یا پراکندن افکار و فرهنگ دیگران یا خود، بسیار مؤثر بوده است. عیلام در زمان‌های قدرت، کشوری ثروتمند و آباد و شوش یکی از چهارراه‌های دنیا محسوب می‌شده و با وسایل ارتباطی سهل با بین‌النهرین و آسیای صغی، و خلاصه اقصی نقاط دنیای متمدن زمان مرتبط بوده است. این کشور با دره‌ی سند نیز روابط تجارتی و در نتیجه روابط فرهنگی داشته و از بعضی نفوذهای هنری این سرزمین متأثر بوده است و برعکس بر آن تأثیرمی‌گذاشته، چنان‌چه بعضی از مهرهای استوانه‌ای و تکه سنگ‌هایی که روی آن‌ها به طریق گود حکاکی شده، از دره‌ی سند به این سرزمین آمده و بر در مقابل در دره‌ی سند، مهر استوانه‌ای و لوازم آرایش عیلامی‌ها مورد تقلید قرار گرفته است.

اهمیت این منطقه از نقطه نظرهای مختلف به قدری زیاد بوده که پس از ویرانی به‌دست آشوربانیپال -که به کلی با خاک یکسان شده و مردمش یا از دم تیغ گذرانیده شده و یا به اطراف پراکنده شده بودند- چیزی نگذشت که بار دیگر در عهد امپراطوری هخامنشی، پایتخت زمستانی شاهان ایران گردید و مجد و عظمت سابق خود را با تمام جلوه و جلالش باز یافت؛ و یکی از پایگاه‌های تمدنی سیاسی و اقتصادی امپراطوری هخامنشی، و به‌طور کلی دنیای آن زمان گردید و تا قرون بعد این مأموریت را ادامه داد. تمدن و هنر عیلام نیز تا مدت‌های مدید، حتی تا دوره‌ی ساسانیان، هنوز در بعضی موارد ملهم هنرمندان ایرانی بود (همان: ۱۲۳). اما با وجود حفاری‌های باستان‌شناسی در منطقه حکومتی عیلام سهم اندکی به موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در عیلام داده شده است.

جایگاه زن در ادوار پیش از تاریخ

برای شناخت هویت و جایگاه زن در گذشته‌های دور باید به امور سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن دوران توجه کرد، در آن دوران نیز با تغییر سیاست، نقش الهگان زن تغییر کرده است و در امور اجتماعی و قوانین آن‌ها نیز تأثیرگذار بوده است.

زن بر پایه مدارک و شواهد موجود، در ادوار دیرینه صاحب قدرت بوده و توانایی‌های او در عرصه‌ی وسیع اندیشه، عواطف، الهیات و سیاست اثر گذاشته است. نمودهای قدرت زنانه گاهی در صورت‌های عینی و ملموس مانند پیکره‌های زنانه و نقش‌ها و تصاویر باقی مانده بر ظروف و الواح و کتیبه‌ها که از حفاری‌ها به دست آمده است ظاهر می‌شود و گاهی مظاهر این قدرت در صورت‌های فکری و سمبولیک مانند مفاهیم و اشاره‌هایی که در اساطیر و افسانه‌ها و قصه‌های قدیم و به طور کلی در ادبیات کهن نهفته است خود را آشکار می‌سازد. در جریان بررسی این دو نوع «نمود» است که راز قدرت زنانه را در گذشته‌های دور به یاری مشاهده، تفسیر و تعبیر علامات و شکل‌ها و مفاهیم بررسی می‌کنیم.

پیش از استفاده از خط برای نوشتن، نمودهایی که از قدرت زنانه از آن زمان‌ها به جا مانده بیشتر جنبه‌ی عینی دارد. از این رو به نمودهای عینی که در صورت پیکره‌های زنانه ظاهر شده است نه فقط از دیدگاه شناخت توانایی‌های هنری گذشتگان، بلکه از دیدگاه شناخت سایر نهادهای فکری آنان می‌توان نگریست. اما از حدود ۳۲۰۰ ق.م به بعد نمودهای فکری و سمبولیک به صورت ادبیات اساطیری در دسترس است و می‌تواند به جنبه‌هایی از قدرت زنان گواهی داد (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱: ۷۱-۶۹). در جوامع کهن، فرهنگ و مذهب با سیاست و اقتصاد پیوند عمیق داشته است و طرح سیاست در معابد ریخته می‌شده و امور اقتصادی توسط کاهنانی که در رأس معابد یعنی رأس هرم قدرت سیاسی قرار داشته‌اند مورد حل و فصل قرار می‌گرفته است لذا درک اهمیت مقام زن در اندیشه مذهبی گذشتگان می‌تواند مقام زن را در اندیشه سیاسی و اجتماعی مردمان آن دوران میسر سازد.

در دوره شکارورزی، جز تعقیب شکار، تقریباً تمام کارهای دیگر خانواده بر عهده زن بود. مرد برای رفع خستگی شکار، قسمت اعظم سال، با خیال راحت به آسایش و تن‌پروری می‌پرداخت. زن نوزادان خود را بزرگ می‌کرد و کلبه یا خانه را خوب نگاه می‌داشت و از جنگل‌ها و مزارع خوراکی به دست می‌آورد و پختن و پاک کردن و تهیه لباس و کفش بر عهده‌ی او بود. هنگام حرکت قبیله، مردان، که می‌بایستی منتظر دفع هر حمله‌ای باشند، تنها کارشان حمل اسلحه بود و زنان باقی ساز و برگ خانواده را حمل می‌کردند. و چون نظم خانواده براساس مادر تکیه می‌کرد، پدر منزلت عرضی و ناچیز داشت (دورانت، ۱۳۶۵: ۴۲). گیرشمن می‌گوید: این ویژگی اولویت زنان یکی از امور مختص ساکنان اصل نجد ایران بوده و بعد در آداب آریائیان فاتح وارد شده است (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۱۱).

در اجتماعات اولیه قسمت اعظم ترقیبات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است، نه به دست مردان. در طی قرن‌های متوالی، که مردان دائماً با طریقه‌های کهن خود به شکارورزی اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه کشاورزی را توسعه می‌داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کرده که هر یک روزی پایه صنایع بسیار مهمی شده است (دورانت، ۱۳۶۵: ۴۲). آن‌ها با ساختن سفال به علم شیمی، هنگام ریستن و نخ‌تایی به علم فیزیک و از راه نساجی به علم مکانیک آشنا شدند و کشت کتان و پنبه، راه گیاه‌شناسی را بروی آنان گشود (چایلد، ۱۳۶۹: ۵۰).

در دوران‌های اولیه یک نوع ازدواج وجود داشته که در واقع آن‌را می‌توان «زن‌شویی سرخانه» نامید مرد قبیله خود را ترک می‌گفته و به قبیله و خاندان زن می‌پیوسته و برای او یا با او، برای خدمت به والدین زن کار می‌کرده است. در این صورت، نسبت فرزند از جانب مادر نگاه داشته می‌شده و ارث نیز از طریق مادر می‌رسیده است، حتی سلطنت نیز، غالب اوقات از طرف زن به میراث می‌رسیده نه از طرف مرد ولی این حق مادری را نباید با تسلط مادر و مادر شاهی اشتباه کرد (دورانت، ۱۳۶۵: ۴۱).

لذا دورانی را که زن مقام بزرگی و سروری بر اجتماع و مرد داشته نسبت به مدت زمانی که تحت انقیاد مرد در آمده بسیار طولانی بوده است. این دوران که قسمت اعظم آن مربوط به اعصار ماقبل تاریخ بوده تا پنج‌هزارسال بلکه بیشتر می‌رسد و در تاریخ جامعه‌شناسی به دوره‌ی مادرشاهی^۲ معروف است که به حدود اواسط عصر مفرغ تا آغاز عصر آهن ادامه می‌یابد.

ولی در آخرین مراحل شکل کلاسیک دوران مادرشاهی وقتی ابزار تولید آن‌قدر تکامل یافت که ارزش اضافی از آن عاید شد؛ تقسیم کارکرد مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به ظهور رسید؛ جوامع ابتدایی تجزیه شد و به تدریج سیستم بردگی رایج گشت.

به این ترتیب در سیستم جامعه مادرشاهی، زن به علت بچه‌داری و گرفتاری در امور محدود خانه دستش از فعالیت‌های آزاد اجتماعی گذشته کوتاه شد و شخصیت‌اش ضعیف گشت. و جای و مقام خود را به دوره‌ی پدرشاهی^۳ داد. به عبارت دیگر زن برای یک دوره از تاریخ زندگی اجتماعی بشر تا زمانی که مقام از دست رفته خود را مجدداً احراز کند به وسیله‌ی مرد از میدان کنار رفت (انصاف‌پور، ۱۳۴۶: ۳۵-۳۳ و ۴۱-۴۰).

2. Matriacale

3. Patriacale

منزلت زن در افسانه‌های آفرینش ملل جهان نیز در مقایسه با مرد غالباً برابر و گاه برتر است. یکسان و همانند آفریده می‌شوند و یا به وجود می‌آیند با حقوق طبیعی و استعداد‌های ذاتی واحدی زندگی را آغاز می‌کنند و با معاونت یک‌دیگر موانع و مشکلات را از میان بر می‌دارند و جهان را آباد می‌سازند.

داستان‌های آفرینش جهان زن و مرد که در کتب مقدس و آسمانی ادیان یهودی و نصارا و اسلام آمده در اصل با یک‌دیگر شباهت کلی دارند ولی در ادیان کهن ایران و هند و میتولوژی ملل دیگر عالم مانند چین، ژاپن، یونان و اسکانداویوی به صورت افسانه‌های مختلف وصف شده‌اند (کریمی، ۱۳۷۸: ۱۲-۱۱).

اطلاع ما درباره‌ی دین قدیم‌ترین سکنه‌ی ایران بسیار اندک است. در بین‌النهرین، که سکنه‌ی بدوی آن از همان منشأ سکنه‌ی نجد ایران بودند، معتقد بودند که حیات آفریده‌ی یک ربه‌النوع است، و جهان در نظر آنان حامله بود نه زاییده، و منبع حیات، به‌عکس آنچه مصریان می‌پنداشتند، مؤنث بود نه مذکر. بر اساس بسیاری از پیکره‌های کوچک از ربه‌النوعی برهنه که در امکانه‌ی ماقبل تاریخی ایران پیدا شده است، می‌توان گفت که انسان ماقبل تاریخی نجد دارای این گونه معتقدات بوده‌است. این ربه‌النوع احتمالاً همسری داشته که او نیز ربه‌النوع بوده، و در آن واحد هم شوهر و هم فرزند او محسوب می‌شده است. بلاشک در این مذهب ابتدایی است که ما می‌توانیم مبدأ ازدواج بین برادران و خواهران را بجوییم. این عادت در مغرب آسیا رایج بود، ایرانیان و بعد نبطیان از ملل بومی آن‌را ارث بردند، و همچنین اساس ازدواج بین مادر و پسر را - که کمتر سابقه دارد - در همین آیین باید جستجو کرد. نیز ممکن است که رسم انتساب به مادران که در نزد عیلامیان و اتروسکیان و مصریان و مخصوصاً در کیلیکیه بسیار معمول بود، در این‌جا نشأت یافته باشد. بی‌فایده نیست تذکر داده شود که در میان بعضی از این ملل زن فرمانده سپاه بود، از جمله در میان طایفه گوتی که کوه نشینان ساکن دره‌ی کردستان بودند (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۳۱-۳۰).

«در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، زن نه تنها در عمده‌ترین کارهای اجتماع نقش اساسی و تعیین کننده داشته؛ بلکه در عین حال با رقص‌های مذهبی که جنبه هنری داشته به زندگی نشاط و سرور و وجد روحانی می‌بخشیده است». گوردن چاپلید می‌گوید: هدف مذهب در شرق (در دوره‌ی باستان) تأمین مادیات زندگی بوده است. پرستش خداوند برای تقویت حس پرهیزگاری، پاک‌دامنی و یا آسایش خاطر خداوند نبود. اعمال مذهبی را برای خوبی محصول، باران مساعد، پیروزی در جنگ، کام‌یابی‌های عاشقانه، توفیق در معاملات مالی، داشتن اولاد، به دست آوردن ثروت و تأمین سلامت انجام می‌دادند.

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۰۱

قطعات مختلف ظروف گلی که از سیلک^۴ به دست آمده چند زن را در حال رقص نشان می‌دهد (تصویر ۱). در این نقوش حرکت زنان بسیار جالب است و می‌رساند که با آهنگ مخصوصی اجرا شده است.

تصویر (۱) زنان در حال رقص، نقش روی ظرف گلی



هزاران پیکره ربه‌النوع مادر در امکنه شرق نزدیک پیدا شده است. مخصوصاً در شوش که ربه‌النوع

فراوانی به نام عیلامی کریرشه^۵ قرن‌ها مورد پرستش بوده است (تصاویر ۲ و ۳).

تصویر (۳) الهه‌ی کیریشا، ربه‌النوع فراوانی

تصویر (۲) ربه‌النوع مادر بر روی سنجاق



آیین او تحت عنوان نانایه^۶ تا عصر پارت‌ها ادامه داشته و پیکره‌های سفالین متعددی یافته شده که

ربه‌النوع مذکور را در گورستان پارتی نشان می‌دهد. او الهه‌ای است که نامش هنوز برای مادران ایرانی

باقی است و فرزندان ایران، مادر را «نه‌نه» خطاب می‌کنند (حجازی، ۱۳۷۰: ۳۴).

4. Sialk

5. Kirirsha

6. Nanaia

۱۰۲ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹

تعدای مجسمه‌های سفالی، گلی و فلزی از زن و ربه‌النوع مادر حاصل‌خیزی از تپه‌های پیش از تاریخ ایران نظیر تپه گیان نهایند، تپه سراب کرمانشاه، تپه یحیی در جنوب کرمان، تورنگ تپه در حوالی گرگان و تپه مارلیک در استان گیلان توسط باستان‌شناسان در حفاری‌ها بدست آمده که برخی از آنها بدون سر بوده و این نقص عمدی بوده است زیرا می‌خواستند بدین وسیله دیگران را از استعمال آنها پس از مرگ مالک آن مانع شوند (تصاویر ۴-۶).

تصویر (۴) پیکره‌ی کوچکی از گل پخته، مارلیک، قرون ۸ و ۹ ق.م. تصویر (۵) ایزدبانوی برهنه، تورنگ تپه، هزاره سوم ق.م.



تصویر (۶) ونوس تپه‌سرا، هزاره ششم ق.م.



موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۰۳

در نقوش مهرهای مربوط به هزاره چهارم ق.م که از نقاط مختلف ایران به دست آمده مشاهده می‌شود که زن به کار کوزه‌گری مشغول است. به طور کلی در جامعه اولیه ایران کهن زن وضع ممتازی داشت و صاحب قدرت فراوان بود. چنان‌که حفاظت آتش که کاری بسیار مهم بود به عهده وی سپرده شده بود. استعداد و قدرت و هوش زن در انجام کارهای مفید و مهرورزی و عطوفت که غریزه طبیعی وی بود، سرانجام او را صاحب نفوذ و اعتبار کرد و حتی برتر از مرد قرار داد، به حدی که زمینه برای استقرار نظام مادرشاهی مهیا شد. خاصیت زن یعنی مادر بودن و ایجاد نسل و حراست از کانون خانواده، به حکم ضرورت، او را به صورت روحانی با مقام الهی جلوه‌گر ساخت و سرانجام مظهر حیات و آفرینش و الهه مادر و باروری گردید. مقام زن در نزد ساکنان اصلی فلات ایران به آن حد والا بود که بعدها آریایی‌ها آن را کسب کرده و جزو سنت خود قرار دادند (ملک زاده بیانی، بی‌تا: ۴۴-۴۳)

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام

نخستین باورهای مذهبی در عیلام مانند دیگر اقوام کشاورز بر مبنای سمبل‌های باروری شکل گرفته که زن نمونه بارز آن بوده است (قدیانی، ۱۳۷۶: ۵۹).

از همان ابتداء در میان عیلامی‌ها ارباب و انواع مورد پرستش بوده‌اند، و احتمالاً حیات آفریده ربه النوع مؤنثی بوده که همسری داشته که او نیز رب‌النوع بوده، و در عین حال شوهر و فرزند او محسوب می‌شده است. امکان دارد که رسم انتساب به مادر که در نزد عیلامی‌ها معمول بوده، در اصل از همین موضوع ناشی شده بود (آمیة، ۱۳۴۹: ۲).

در کهن‌ترین سند که می‌توان حدود آن را ۲۲۲۳ ق.م تعیین کرد با خدایان مادینه‌ای روبرو می‌شویم که مورد پرستش مردم در ایلام باستان بوده‌اند. سلسله مراتب خدایان به صورتی که در این سند ضبط شده تا ۶۳۹ ق.م دست نخورده باقی مانده است.

بنابراین در سلسله مراتب خدایان ایلامی والاترین خدا که در واقع جدا از دیگر خدایان بود یک الهه می‌باشد. تمام شواهد حاکی از آن است که وی الهه بزرگ مادر ایلامی‌ها بوده است. به همین دلیل برخی از دانشمندان پنی‌کیر را همان الهه کیریرش می‌دانند.

الهه بزرگ به تدریج نفوذ را به شوش گسترش داد و پادشاهان ایلام میانی و جدید برای کیریرشاه در مناطق گوناگون معابدی برپا ساختند. در شوش به وی لقب پرغورور مادر خدایان و بانوی معبد برتر که از همه مراقبت می کند ارائه گردید. این امر ساختار حکومت متحد ایلام را منعکس می سازد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۱-۵۰). این یافته‌ها نشانه دوام و بقا خدایان مادینه در رأس هرم قدرت تلقی می شود. کیریرشاه در سراسر ایلام مقام محترم و ارجمندی یافته اما الهه مادر بومی هر استان نیز احترام خود را محفوظ داشته است. (همان: ۶۴) بر اساس آنچه گذشت، حضور خدایان مادینه در پرستش‌گاه اصلی ایلامی قطعی است به خصوص که آن‌ها در بالاترین مقام‌ها و دین‌ها از لحاظ سلسله مراتب خدایان قرار گرفته‌اند برتری زن در مذهب ایلام و تشخیص بالاترین مقام در مجمع خدایان به الهه بزرگ موجب گردید نقش خدایان زن به طور چشمگیری در مدارک و اوراق و مهرهای ایلامی تصویر شود. هر چند که دیگر دارای قدرت مطلقه نیستند ولی بی حضور آنان باورهای مذهبی قابل طرح نبوده است (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱: ۲۲۳).

ارتباط مذهب ایلامی با حقوق ایلامی چنان چشمگیر است که برای پی بردن به اصول حقوق ایلامی بدون آگاهی بر فرهنگ و مذهب ایلامی نمی توان اقدام کرد. از آن‌جا که بنا بر اسناد موجود، معابد ایلامی مراکز مهم سیاست و اقتصاد بوده است و شاهان و فرماندهان هم‌گام با خدایان و صاحبان معابد به قانون‌گذاری می پرداخته‌اند، لذا نقش زن در این مراکز ممکن است روشن‌گر وضع و موقعیت او در طبقات حاکمه به‌شمار آید چنان که حضور خدایان مادینه به نام پاسداران حقوق و پیروزی و ۰۰۰ در کنار خدایان نرینه و همچنین حضور کاهنان در معابد و پرستش‌گاه‌ها به نام صاحبان امضاء و صاحبان حق برای شرکت در امور مالی و اقتصادی نشانه‌هایی است بر حضور قدرت زنانه در برترین مرکز سیاست و اقتصاد یعنی معابد و پرستش‌گاه‌های ایلامی (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵۸-۵۶).

در عیلام، حوزه فعالیت زنان محدود به خانه نبود. زن نیز مانند مرد اسناد امضا میکرد، به دادوستد می پرداخت، ارث می برد و ۰۰۰ «در اسناد نخستین ایلامی، بارها به ذکر نام مادر، خواهر یا دختر پادشاه بر می‌خوریم. مدارک موجود متعلق به دوره‌ی به اصطلاح کلاسیک اشاره دارند که ترتیب به ارث بردن تاج و تخت پادشاهی بر پایه‌ی مادر تباری بوده است. یعنی حق جلوس بر تخت شاهی از طریق نسب مادری قابل تعقیب بود. در این دوره تندیس گلی ایزد بانو (الهه مادر) نزد همه مردم ایلام مورد ستایش بوده است» (کامرون، ۱۳۶۵: ۱۸).

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۰۵

در تفکر حقوقی عیلامی، زن جای‌گاه انسانی و به حق خود را داشته و هرگز به نام «فرو دست» در مقام خواهان یا خواننده دعای ظاهر نشده است. علاوه بر آن، کلیه آراء حقوقی نیز به نام خدایانی صادر شده که در غالب موارد جنسیت زن داشته‌اند. در احکامی هم که از خدایان مادینه در مقام خدایان برتر نام برده نشده، آن‌ها هم کار و دستیار دایمی خدایان نرینه بوده و بدون ذکر نام آن‌ها احکام قضایی ضمانت اجرا نداشته است (هیئتس: ۱۳۷۱).

مذهب عیلامیان وجه اشتراک بسیاری با میانرودان همسایه دارد، اما پیوسته حضور یک خصیصه‌ی کاملاً متمایز «عیلامی» در آثار به جا مانده از مذهب حاکم بر ایلام احساس می‌شود. برجسته‌ترین مشخصه‌ی این خصیصه چنان که گذشت ستایش و احترامی است که برای «اصل مادینه هستی» در اعمال قدرت‌های ساحرانه و جادویی به خصوص در قلمرو جهان زیرین قایل شده‌اند.

در جریان رویدادهای مهم سیاسی که بر ایلام گذشته است، کیش عیلامی همواره گرایش نیرومندی نسبت به امور ساحرانه و رمزی ابزار داشته و «اصل مادینه هستی» منشأ این نیرو بوده است. مردمان ساکن در میانرودان به علت وجود همین گرایش پیوسته ایلام را سرزمین جادوگران و دیوان می‌شناخته‌اند.

وام گیرندگان در جامعه عیلامی از دو جنس زن و مرد بوده‌اند. نه فقط خدایان نرینه که خدایان مادینه هم منشأ انجام امور حقوقی بوده‌اند. مثلاً الغاء بدهی‌ها و پرداخت بهره‌ها معمولاً در ماه «الهه بزرگ» (ماه اوت) انجام می‌شده است.

در عیلام باستان الهه «ناروندی» مورد توجه خاص است. معبدی با پیکره‌ها و الواح وقف او شده است. او نیز از حقوق مردمان دفاع می‌کند. بر یک تندیس سفید از سنگ آهک که از ناروندی به جا مانده به زبان و عبارت اکادی این چنین مورد توسل و دعا قرار گرفته است: «گوش فراده (به نیایش من)، حقوق مرا نگهدار باش و حفظ کن.»

گویا حدود سال‌های ۲۲۵۰ ق. م در شوش، ناروندی را به عنوان «الهه پیروزی» می‌ستوده‌اند. هم‌چنین مردمان عادی چنان که از نام زنان عیلامی پیداست به این خداوند مادینه علاقه‌مند بوده‌اند، در نام زنانه «ناروندی - اوم می» به معنای «ناروندی برای من مادر است» به خوبی حالت مادرانه‌ای که ناروندی در باور مردمان داشته است، دیده می‌شود (تصویر ۷). بدین ترتیب ناروندی پشتوانه‌ای است برای پیروزی، نگهداری است برای حفظ حقوق پرستندگان و پرستاری است برای پیروانی که به او اعتقاد دارند (لاهیجی و کار، ۱۳۷۱: ۲۲۵-۲۲۴).

تصویر (۷) پیکره‌ی نشسته‌ی الهه ناروندی، حدود ۲۲۵۰ ق.م



در حقوق عیلامی حضور خدایان در اسناد قضایی فقط بر جنبه‌ی الهی قوانین دلالت ندارد، بلکه ضمناً نمایش قدیسی است که عیلامیان از آن با اصطلاح «کی تن» یاد می‌کنند. «کی تن» آن نیروی حفاظتی و بی‌نظیری است که از منبع الهی پرتو می‌کشد و آن فره‌حمایت‌کننده جادویی است که بدون وجود آن ظاهراً زندگی انسان غیر قابل تصور می‌شود.

هر چند پژوهشگران از بررسی اسناد قضایی به این نتیجه رسیده‌اند که «کی تن» این - شوشیناک خدای نرینه در امور حقوقی نقش بزرگ‌تری را ایفا می‌کند، اما گرز و اسلحه خدای مادینه «ایشمه کرب» نیز ضامن اجرای بسیاری از قوانین و تعهدات حقوقی است. به جمله‌ای که عیناً روی یک سند قضایی نوشته شده است توجه کنید: «باشد که گرز سلطنتی الهه ایشمه کرب به پیشنهاد این - شوشیناک خدا ناهوتنه خدا بر سر هر کس که این سند را از میان ببرد بکوبد.»

یکی دیگر از وجوه مشخص نظام حقوقی ایلام آن بوده که در اسناد قضایی مبتنی بر قوانین مصوبه توسط فرمان‌روایان، سوگند فقط در برابر الهه ناروندی ادا می‌شود، در حالی که در اسنادی که از «این - شوشیناک» به عنوان قانون‌گزار یاد شده سوگند فقط در برابر او والهه «ایشمه کرب» و به ندرت در برابر «این - شوشیناک» به تنهایی ادا می‌شود - بدین ترتیب «اصل مادینه هستی» همواره در جریان ادای سوگند در برابر شهود حاضر است. هم‌چنین زنان می‌توانستند بی هیچ تشریفات ویژه به عنوان شهود در

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۰۷

جریان دادرسی‌ها حضور یابند. زنان هم در جای خواهان، هم در جای خوانده دیده شده‌اند. آنان نشان میخ خود را که در عیلام قدیم در حکم امضا بوده است در قراردادها به جا گذاشته‌اند. به عنوان مثال در یک لوح وصیت‌نامه‌ی مادری نقش بسته که همه‌ی ثروت خود را به دخترش بخشیده است. این وصیت‌نامه با عبارات مؤکد مادر که کوشیده تا انتقال اموال خود را دارای تضمین سازد در هاله‌ای از احساسات فرو رفته است. موصی اعلام می‌دارد:

«اگر پس از مرگ من کسی علیه (دختر من) قیام کند و علیه ترتیباتی که من داده‌ام سیخ بزند و تف بیندازد باشد که در آب غرق شود». با وجودی که این مادر دو پسر نیز داشته که به عنوان وارث با دختر او صاحب حقوق مساوی بوده‌اند میراث خویش را به دخترش منتقل کرده است. زیرا فرزند دختر نسبت به او توجه بیشتری داشته و از او پرستاری می‌کرده است. هم‌چنین پسران ملزم بوده‌اند برای تضمین پذیرش وصیت‌نامه در برابر فرمان‌روا سوگند یاد کنند که علیه وصیت مادرشان که با سوگند به «این - شوشیناک» و «ایشمه کرب» مؤکد شده بود اعتراض نخواهند کرد.

در سند دیگری که اهمیت ویژه دارد و ضمن آن شوهر همه‌ی ثروت خود را برای همسرش وا می‌گذارد، این جمله‌ی توجیهی قابل توجه است: «زیرا آن بانو از من مواظبت کرده و برای من کار کرده است» شوهر محتضر فزون بر این نیز سهمی برای شریک زندگی مورد اعتماد خود به جا می‌نهد: «پسران مجاز خواهند بود بعد از مرگ مادر از میراث او استفاده کنند، مشروط بر آن که نزد مادر بمانند و از او مواظبت کنند (همان: ۲۲۸-۲۲۶).

از میان الهه‌های عیلامی ربه‌النوع مانزات مردمی‌ترین الهه است و فعالیت آن از باروری نشأت می‌گرفته است. نام‌های زنان عیلامی که منشأ مذهبی دارند معمولاً ترکیبی از نام این الهه بودند. این زنان با داشتن چنین نام‌هایی باید همیشه مواظب خانواده باشند.

تعداد زیادی از مجسمه‌های کوچک و خرد شده‌ای که در معابر عمومی یک محله نسبتاً محدود در شهر شوش کشف شده است، می‌توان این نتیجه را گرفت که بیشتر این مجسمه‌ها را عمداً شکسته و خرد نمودند. چنین به نظر می‌رسد که بر اساس آن هر زن آبستنی باید شمایل این الهه را که حافظ بارداری اوست تا مواقع زایمان غیرتمندانه در پیش خود نگه می‌داشت و پس از زایمان لزوماً نیازی به حفاظت الهه نیکوکار نبود. بنابراین بت را می‌شکستند و در معابر عمومی می‌انداختند (گیرشمن، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۵).

۱۰۸ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۴، تابستان ۱۳۸۹

از سایت‌های باستانی دیگری که مجسمه‌هایی از جنس سفال و به‌صورت قالبی مربوط به هزاره‌ی دوم ق.م کشف شده‌است هفت تپه و سوزا می‌باشد این آثار عموماً نمایشگر الهه‌های باروری و حاصل‌خیزی هستند که برخی از آن‌ها از نظر فرم و دقت نظر هنری در نوع خود نادر می‌باشند.

مجسمه برنزی ۱۷۵۰ کیلوگرمی ملکه ناپیراسو^۷ متعلق به حدود هزاره سوم قبل از میلاد «عهد طلایی» عیلام نیز نشان دهنده اهمیت موفقیت در اجتماع و ارزش اصل مادینه هستی در بنیان‌های تفکر عیلامی است. او زوجه «اوتناش گال» بزرگ‌ترین بانی شاهنشاهی است. «با این‌که روی دامن این ملکه نوشته شده بود که هر کس آزاری به این مجسمه برساند به انواع بلیه آسمانی گرفتار خواهد شد با این حال سر آن از بدن جدا شده است» (تصویر ۸).

تصویر(۸) پیکره‌ی ملکه نیپر- اسو همسر اوتناش- گال، قرن سیزدهم ق.م



این هشدار نوشته شده، حاکی از امکان رساندن آزار بوده است که خود می‌تواند تا حدودی حاکی از بعضی از جریانات ضد سلطنت و یا ضد جنبه روحانیت این سلسله یا این بانو در آن دوران بوده باشد ولی به‌نظر می‌رسد پس از مرگ اوتناش هوبان یا ملکه ناپیراسو و با توجه به جنبه‌های قداست این مجسمه، سر مجسمه را قطع کرده‌اند تا کسی از آن استفاده ننماید (حجازی، ۱۳۷۰: ۳۶-۳۷).

در ردیف دوم استل اوتناش گال، وی به اتفاق دو زن، درصحنه ظاهر می‌گردد وی در حالی که سمت راست همسرش نیپر - اسو او را تعقیب می‌کند، دست‌های خود را از قسمت آرنج بالا برده و به

7. Napirasow

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۰۹

طرف زن دیگری به نام اوتیک که او نیز متقابلاً به سوی وی در حرکت است، پیش می‌رود، این زن به احتمال مادر شاه یا کاهنه بزرگ معبد می‌باشد. حضور زنان در این مراسم رسمی یک‌بار دیگر مقام و اهمیت زن در جامعه ایلامی و حضور فعال وی در امور اجتماعی و دولتی را نشان می‌دهد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۸۷). در «گورانگون» فارس در دامنه کوهی، نقوشی از عهد عیلام قدیم دیده می‌شود که تاریخ آن را در حدود نیمه‌ی دوم هزاره‌ی دوم قبل از میلاد می‌دانند، با آن‌که این نقش از بین رفته ولی طبق تحقیق هرتسفلد، دو الهه زن و یک نفر مرد را نشان می‌دهد (تصویر ۹) که بروی تختی به شکل مارحلقه شده نشسته‌اند (حجازی، ۱۳۷۰: ۳۷). از جمله آثار دیگری که تصویر و نقش زن بروی آن مجسم شده می‌توان موارد زیر را نام برد:

-سنگ یادبود تاریخی اونتاش گال (تصویر ۱۰)؛

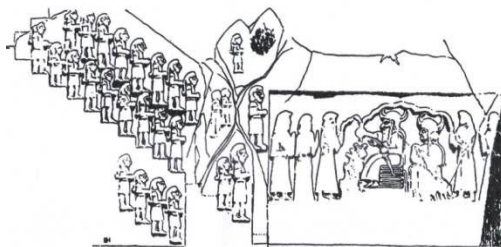
-نقش برجسته زنی در حال نخ ریزی عیلام جدید (تصویر ۱۱)؛

-الهه - ماهی - دوره سوکالما هوها (تصویر ۱۲)؛

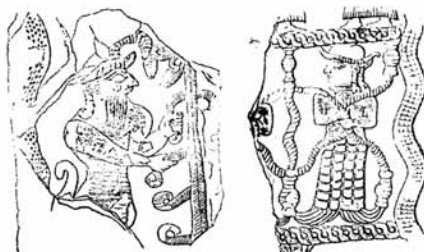
-مجسمه الهه مادر از گل پخته هزاره دوم ق.م (تصویر ۱۳)؛

-مجسمه الهه با پرندگان (تصویر ۱۴).

تصویر(۹) نقش برجسته‌ی صخره‌ای گورانگون، دوران عیلام میانی، قرن ۱۱-۱۵ ق.م



تصویر(۱۰) سنگ یادبود تاریخی اونتاش گال، عیلام میانی، قرن سیزدهم ق.م



۱۱۰ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹

تصویر (۱۱) نقش برجسته‌ی زن نخ ریس، مکشوفه از شوش، عیلام جدید



تصویر (۱۲) الهه‌ی ماهی از دوره‌ی سوگل میخها، قرن ۱۷-۱۸ ق.م



تصویر (۱۳) الهه‌ی مادر، اوایل هزاره‌ی دوم ق.م

تصویر (۱۴) الهه با پرندگان، از گل پخته، نیمه اول هزاره دوم ق.م



موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۱۱

یکی از ویژگی‌های مذهب عیلام نیز این بود که به نیروهای جهان زیرین و عنصر زن احترام زیادی قائل بودند، اهمیت نقش زن و ربه‌النوع‌های عیلامی را می‌توان از معاهده هیت که بین هیتا شاه عیلام و نارام - سین شاه آکاد منعقد گردید استنباط نمود. در این معاهده آمده است: «گوش فرا دار، ای الهه پی‌نی‌کیر و شما خدایان خوب آسمان...» در سلسله مراتب خدایان ایلامی والاترین خدا که در واقع جدا از دیگر خدایان بود؛ یک الهه است. اونتش‌گال در حدود ۱۲۵۰ ق.م در شهر دور - اونتش (چغازنبیل) معبدی را برای الهه پی‌نی‌کیر و معبد دیگری را برای الهه کیریریش برپا ساخت.

کوینتر ناهونته نیز توانست معبد الهه لکمر در شوش و معبد الهه کیریریش را که هومبان - نومن در لیان برپا ساخته بود بازسازی کند. کتیبه‌ای مخصوص این بازسازی‌ها از الهه کیریریش برای پادشاه و همسرش ناهونته - اوتو و نیز فرزندان وی طلب خیر و برکت می‌کند. در آغاز هر یک از ایالات الهه مادر خود را داشته است: پی‌نی‌کیر برای شوش، کیریریش برای سرزمین دریا در جنوب شرق و پارتی برای دو ایالت مال امیر وانشان.

به نظر می‌رسد که این الهه‌های مادر، فرمان‌روایان اصلی قلمرو خدایان ایلامی بوده‌اند. آن‌ها به تدریج و ناخواسته (به احتمال در طول هزاره دوم پ.م) جای خود را به خدایان مرد واگذار کردند، با این حال هرگز مقام رفیع خود را در سلسله مراتب خدایان از دست ندادند. این خدایان مطمئناً در قلب‌های مردم جای مطلوبی را برای خود حفظ کرده بودند.

وجود پیکره‌های بی‌شمار گلی که به الهه برهنه معروف هستند بر همین امر دلالت می‌کند. این پیکره‌ها زن برهنه‌ای را نشان می‌دهند که پستان‌های خود را با هر دو دست گرفته و بدین صورت الهه‌های پی‌نی‌کیر و کیریریش را تجسم می‌بخشد. پیکره‌های الهه برهنه یکی از ویژگی‌های پیوسته تمدن عیلامی است که در تمام حفاریات باستان‌شناسی بدان بر می‌خوریم. وجود ربه‌النوع‌های فراوان در تمدن عیلام نظیر: ایشن کرب، لکمر، نروندی، لاگامار و غیره نشان دهنده اهمیت مقام زن را در این دوره نشان می‌دهد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۵، ۲۵ و ۸۷).

نتیجه‌گیری

پرستش زن و الهه مادر یکی از ریشه‌دارترین اعتقادات مذهبی در طول حیات بشر می‌باشد که قدیمی‌تر از ظهور خدایان متعدد و در نخستین مراحل تمدن بشری، یعنی دوران کهن سنگی گسترش یافته و با ظهور زراعت

و اشتغال به گله‌داری، نقش الهه مادر به عنوان مجسم‌کننده مظاهر باروری و توالد مشخص‌تر گردیده و نه تنها در قلمرو طبیعت و زندگی طبیعی بلکه در حیطه‌ی مسائل زندگی انسان چون تولد، زندگی و مرگ و نیز زندگی پس از مرگ به عنوان حمایت‌کننده و برآورنده نیازهای انسان پرستش می‌شد، به‌طوری که به تدریج زن مقام بزرگی و سروری در اجتماع و مرد پیدا کرد و دوره مادرشاهی^۸ شروع شد.

مطالعات پژوهش‌گران و کاوش‌های باستان‌شناسان در خصوص جوامع ابتدایی روشن می‌کند که زن طی تاریخ پرمجرای بشر دارای نقش مهمی بوده است. در اکتشافات باستان‌شناسی متعلق به فرهنگ‌های پیش از کشاورزی در جهان سمبول‌های خدایی از جنس زن بسیار به دست آمده است که عموماً بیانگر قدمت پرستش زن در جوامع کهن می‌باشد.

به منظور شناخت جایگاه زن در تفکر حقوقی ایلامیان ناگزیر از شناخت بنیان‌های تفکر مذهبی آنان هستیم. گرچه مدارک به جا مانده از ایلام مختصر و پراکنده است، با این حال می‌توان از لابه‌لای آن‌ها نفوذ نیرومند مذهب را بر فرمان‌روایان و قضات و مردم ایلام باستان بازشناخت. همه شواهد بر این واقعیت دلالت دارد که از نظر ایلامیان کلیه قوانین حتی قوانینی که حقوق دنیوی را در بر می‌گیرد، ریشه الهی دارد. در بیشتر اسناد قضایی متعلق به دوره نواب کبیر «ایشمه کرب» خدای مادینه‌ای است که نام او به عنوان منشأ الهی قوانین یا تعهدات ثبت شده در سند آورده می‌شود.

در حقوق عیلامی، «اصل مادینه هستی» به صورت الهه «ایشمه کرب» از بالا بر روابط مردمان نظارت دارد و «گرز» و اسلحه‌ی او بر سر هر آن کس که بخواهد سند یا تعهد یا قانون را لوٹ کند کوبیده می‌شود. بنابر این ضمانت اجرای بسیاری از قوانین و تعهدات از قدرت لایزال الهه‌ی عیلامی منشأ می‌گیرد که خود یکی از منابع الهی حقوق عیلامی است.

از نکته‌های مهم این دوره سوگند و شهادت شهود است شهادت زنان مانند مردان مورد قبول بوده و نام زنان در همه‌ی گزارش‌های قضایی به عنوان شهود به چشم می‌خورد.

در گزارش‌های قضایی موجود دیده می‌شود الهه‌ی «ایشمه کرب» در کنار «این - شوشیناک» خدای نرینه در داور۱ها به نام شاهد حضور دارد و این حضور گویای حضور دارد و این حضور گویای حضور «اصل مادینه هستی» در بنیان تفکر حقوق عیلامی است.

8. Matriacale

موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام ۱۱۳

باورهای مذهبی و همچنین جایگاه و مقام زن در مذهب، سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی و فرهنگی این دوره را می‌توان از لابه‌لای آثار هنری و مدارک باستان‌شناسی نظیر آثار و بقایای بناهای باستانی، معابد، مهر، تابلت، استل، نقوش برجسته و غیره دریافت نمود.

برای نمونه در معبد شیموت و پی‌نی‌کیر در چغازنبیل قطعات متعددی از مجسمه الهه عریان که پستان‌هایش را در دست گرفته بود به دست آمده است این آثار منابع مهمی برای مطالعه و بیان تصویری خدایان و الهه‌های ایلامی است.

زن در حکومت و امپراطوری عیلام نیز دارای نقش و جایگاه خاصی بوده است به طوری که در طول حیات سیاسی این سلسله مشهود است. با توجه به تأثیر زنان در قدرت سیاسی به خصوص در اوایل دوره، شاهد یک نوع مادرسالاری هستیم چرا که الهه‌ها و ربه‌نوع‌ها در صدر باورهای مذهبی مردم و حاکمان قرار داشتند. در امپراطوری عیلام زن در تعیین پادشاه هم اهمیت زیادی داشته است تا جایی که شیروکدوه یکی از پادشاهان سلسله اپارتی (اپرتی) مادر خود را به عنوان سوکال شوش منصوب نمود و این تنها موردی است که یک زن در تاریخ ایلام منصبی رسمی پیدا می‌کند. نام این زن معلوم نیست و در تاریخ او را به نام (خواهرشیلهاها) می‌نامند. وی مقام جد مادری سلسله را به خود اختصاص می‌دهد و در روزگار بعد تنها کسانی را شایسته رسیدن به مقام پادشاهی می‌دانستند که از نسل خواهر شیلهه زنی که در متون با عنوان «مادر مهربان» از او یاد می‌شود، بوده باشد. بنابراین آشکار می‌گردد که در ایلام زن نقش مهمی داشته و وراثت در سلطنت از برادر به برادر، تنها در مورد آن‌هایی صادق بوده است که از جد مادری معینی بوده باشند. برتری زن در مذهب ایلام و تخصیص بالاترین مقام در جمع خدایان به «الهه بزرگ» موجب گردید تا تصویر خدایان زن به طرز چشمگیری بیش از بین‌النهرین صحنه آرای آثار عیلامی گردد.

منابع

- آذری، گیتی (۱۳۷۸) باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- آمیه، پیر (۱۳۴۹) تاریخ عیلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- انصاف‌پور، غلامرضا (۱۳۴۶) قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ، تهران: کانون کتاب.
- چایلد، گوردن (۱۳۶۹) سیر تاریخ، ترجمه‌ی احمد بهمنش، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۰) زن به ظن تاریخ، تهران: چاپ خورشید.

۱۱۴ زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۹

- دورانت، ویل (۱۳۶۵) مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه‌ی احمد آرام و دیگران، تهران: انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی.
- قدیانی، عباس (۱۳۷۶) تاریخ ادیان و مذاهب در ایران، تهران: انتشارات انیس.
- کامرون، جورج (۱۳۶۵) ایران در سینه‌دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کریمی، فرشته (۱۳۷۸) زن در طول تاریخ، شیراز: انتشارات نوید.
- گیرشمن، رمان (۱۳۳۶) ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لاهیجی، شهلا؛ کار، مهرانگیز (۱۳۷۱) شناخت هویت زن ایرانی در گسترش پیش از تاریخ و تاریخ، تهران: انتشارات روشنگران.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰) تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ملک‌زاده بیانی (بی تا) «زن در ایران باستان»، مجله هنر.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱) دنیای گمشده عیلام، ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا، انتشارات علمی-فرهنگی.
- فرخ، ملک‌زاده (۱۳۷۴) «نقوش زن در آثار باستانی و علل تصویر زن در نقوش تخت جمشید»، مجله هنر و مردم، ش ۷۵ و ۷۴، آذر و دی، ص ۲۸.
- بنفشه، حجازی (۱۳۷۰) زن به ظن تاریخ، انتشارات خورشید، تهران، تصویر شماره ۲ الف
- (۱۳۷۰) زن به ظن تاریخ، انتشارات خورشید، تهران، تصویر شماره ۲ ب
- (۱۳۷۰) تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، تصویر شماره ۴
- خسرو، فانیان (۱۳۵۱) «پرستش الهه مادر در ایران، مجله بررسی‌های تاریخی»، ش ۶، سال هفتم، بهمن و اسفند، ص ۳۰
- لیلا، رفیعی (۱۳۷۸) سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران: یساولی، ص ۱۸۷
- خسرو، فانیان (۱۳۸۸) سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر، تهران: یساولی، ص ۲۸
- یوسف، مجیدزاده (۱۳۷۰) تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۱۲
- ایدت، پرادا (۲۵۳۷) هنر ایران باستان، ترجمه‌ی یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۴۱، تصویر ۱۸
- (۲۵۳۷) هنر ایران باستان، ترجمه‌ی یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۸۱
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰) هنر ایران باستان، ترجمه‌ی یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص
- (۱۲۶، ۱۲۷، ۱۹۳)